

دوکتور شمسی صمدی از اطریش

ابتکار نهضت آینده افغانستان

اوضاع نا به سامان و نهایت بحرانی کشور در این مقطع تاریخی از تمام سازمانها و تشکلهای پراکنده ای که خود را مترقی و چپ میدانند و همه نیروهای چپ ، دموکراتیک، ترقیخواه و وطنپرست مستقل میطلبد که دست به دست هم داده، همه در یک سازمان نیرومند چپ دموکراتیک متحد شده در برابر ارتجاع حاکم، جهادیان سیاه اندیش و طالبان بی فرهنگ دژ استواری را تشکیل دهند. چنین یک سازمان بزرگ، مؤثر و متشکل از همه نیروهای دموکرات پراکنده کنونی میتواند در وضعیت سیاسی کشور حضور یابد و مبارزه بی امان خود را علیه نیروهای ارتجاع سیاه ادامه دهد. حضور یابی چنین سازمان بزرگ سیاسی چپ در وضعیت سیاسی کشور، مستلزم راجستر نمودن و یا رسمی ساختن این سازمان نیست زیرا یک سازمان بزرگ، سرتاسری و اثربخش دموکراتیک میتواند با ارایه طرح ها و برنامه های مردمی در بین توده ها فعال و مؤثر بوده و از طریق اتحادیه ها، سندیکاها و سازمانهای اجتماعی دیگر بر روند سیاسی اوضاع کشور اثرگذار باشد.

ابتکار نهضت آینده افغانستان در اکتوبر ۲۰۰۷ میلادی تحت عنوان (فراخوان نهضت آینده افغانستان برای شرکت در سیمینار "وحدت نیروهای چپ افغانی") و بعدا هم فیصله مدبرانه این نهضت مبنی بر اشتراک در "اجلاس وسیع نیروهای ملی، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا" که چند روز قبل (مارچ ۲۰۰۸) منتشر شد و سپس اعلامیه تاریخی ۱۲ اپریل ۲۰۰۸ هیأت اجراییه نهضت آینده افغانستان "در باره توحید سیمینار وحدت چپ افغانی و اجلاس وسیع نیروهای ملی، مترقی و دموکراتیک افغانستان" بدان معنی است که این نهضت واقعاً با گوشت و پوست و احساس مسؤلیت میخواهد همه نیروهای مترقی افغانستان یکی شوند و در وجود یک سازمان واحد دموکراتیک تبارز کنند که مبارزه شان ملموس و اثربخش بوده و بخاطر بهبود وضع زندگی انسان زحمتکش و توده های مردم در وطن باشد.

اما مسؤلین کمیسیون برگزاری "اجلاس وسیع نیروهای ملی، مترقی و دموکرات" پیشنهادات معقول نهضت آینده را بدون کدام دلیل رد کرد. جای هم داشت که این پیشنهادات سازنده را مقدر نشمرده و رد کنند زیرا سازمانهای مشمول این کمیسیون در درون خود چندین گرایش دارند که دو گرایش آن عمده است: در گرایش اولی، آن عده اشخاصی اند که هنوز هم در فکر حکمرانی و دولتداری استند همیشه ایدیولوژیک سنجیده و می سنجند و میزان اندیشه شان راستگرایانه بوده و حتی حاضر اند با ارتجاع و سیاه ترین عناصر دست اتحاد و دوستی بدهند و چنانچه هم اکنون داده اند این اشخاص در چنین سازمانها، گرچه تعداد شان کم است اما حیثیت حاکم را دارند تا کنون دیده شده، هر آنچه آنها میگویند عملی میشود. در گرایش دومی اشخاصی اند که تعداد شان زیاد است و اکثراً در صفوف اند اینها انسانهای انقلابی، وطنپرست و ترقیخواه اند مگر در درون سازمان خود کدام صلاحیت تصمیمگیری ندارند و هرگاه هم بخواهند کدام موضوع معقول را مطرح کنند نسبت عوامل توتالیرستی طرح شان عقیم میشود.

اکنون روی سخن و خواهش من متوجه این رفقای اصولی و ارجمند سابق و این دوستان انقلابی و وطنپرست است که شما با هم متحد شوید و بالای رهبری خود فشار وارد کنید و نگذارید این فرصت تاریخی یعنی "ایجاد یک سازمان بزرگ و مؤثر انقلابی، دموکراتیک و چپ افغانی" از دست برود. در لحظه کنونی همین خودش یک مبارزه است. من امیدوارم و اگر این مبارزه با پیگیری دنبال شود، یقین دارم پیروزی از آن شما خواهد بود.

به پیش در راه وحدت همه نیروهای ملی، مترقی، دموکرات و چپ